

## ساختار نظام‌مند مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی در سوره اسراء

محمد رضا ستوده‌نیا\*

محمد جانی‌پور\*\*

### چکیده

تحلیل گزاره‌های اخلاقی در قرآن کریم با استفاده از روش تحلیل محتوا و با هدف ارائه یک مدل نظام اخلاقی به‌منظور تبیین نقش و جایگاه آنها در هدایت فرد و جامعه حائز اهمیت است.

این پژوهش با استخراج گزاره‌های اخلاقی سوره اسراء به عنوان الگو و تجزیه و تحلیل آنها و سپس طبقه‌بندی موضوعی مضامین استخراج شده در نهایت مدل جامع هدایت را از منظر آن سوره تبیین می‌نماید. گزاره‌های اخلاقی بیان شده در سوره نساء در دو بُعد فردی و جمعی به‌صورت همسان بیان شده و به‌منظور ساخت یک مدل و ساختار در حوزه اخلاق، هر کدام چهار رکن اصلی یک نظام، یعنی اصول و مبانی نظری، الزامات، مقدمات و موانع را در این زمینه تبیین کرده‌اند. مدل ارائه‌شده در پایان مقاله، جامعیت نظام اخلاقی حاکم بر سوره اسراء را نشان می‌دهد. آنچه به استخراج چنین مدلی می‌انجامد، استفاده از روش «تحلیل محتوا» در بررسی آیات قرآن کریم است که به‌نوبه‌خود، شیوه‌ای جدید در مطالعات دینی می‌باشد.

### واژگان کلیدی

قرآن کریم، سوره اسراء، نظام اخلاقی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، تحلیل محتوا.

### طرح مسئله

مطالعه علم اخلاق بر مبنای شیوه‌های معمول، دچار نوعی رکود معنایی یا ایستایی تأثیرگذاری و

bayanelm@yahoo.com

janipoor@isu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۵

\*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان.

\*\*دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۱

اثربخشی شده است و این رکود بیشتر از آنکه متأثر از بودن یا نبودن منابع و متون اخلاقی باشد، ناشی از شیوه‌هایی است که به پارادایم غالب در مطالعه منابع و متون اخلاقی تبدیل شده‌اند.

این معضل، متون قرآنی را که منبع اصلی علم اخلاق اسلامی می‌باشند، وارد حوزه‌هایی از مطالعات موضوعی کرده که اگرچه مفید و قابل توجه هستند، پرسش‌های اساسی درباره نقش و کارکرد هدایتگر مفاهیم اخلاقی آیات قرآن را بدون پاسخ گذاشته‌اند.

آنچه در این پژوهش بررسی شده، تبیین مفهوم اخلاق اسلامی و تثبیت نقش و جایگاه آن در تحقق کمال فردی و جمعی جامعه بشری است. این تحقیق به دنبال آن است تا با استخراج گزاره‌های اخلاقی در قرآن کریم و بررسی و طبقه‌بندی آنها به این سؤال اصلی پاسخ دهد که این گزاره‌ها چگونه قابلیت ساخت یک نظام اخلاقی جهت تعالی و رشد افراد و جامعه بشری را دارند؟

در همین راستا، یکی از سوره‌های مهم و مطرح قرآن به‌عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته و گزاره‌های اخلاقی آیات آن استخراج شده است. همچنین ویژگی خاص این مقاله، استفاده از روش تحلیل محتوا با دو تکنیک کمی و کیفی برای استخراج گزاره‌های اخلاقی و طبقه‌بندی آنهاست.

در این مقاله، ابتدا تعریف اخلاق و علم اخلاق از منظر عالمان دینی بیان شده است و سپس با تبیین روش تحقیق و تکنیک‌های استفاده‌شده، به تحلیل محتوای مفاهیم اخلاقی سوره اسراء پرداخته می‌شود تا مدل‌های کلی و ساختاری این گزاره‌ها با دو رویکرد فردی و جمعی استخراج شود.

## الف) مفهوم شناسی

### ۱. اخلاق

واژه «اخلاق» بر وزن «أفعال» و جمع «خُلُق» است که به ویژگی‌های نفس انسان گفته می‌شود. برخی نیز معتقدند اخلاق جمع مکسر «خُلُق» به‌معنای نرمی و صافی یا «خَلَقَ» به‌معنای اندازه، هیئت و شکل می‌باشد. (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۱۶)

دو لفظ خُلُق و خَلَق غالباً به‌معنای دوم، یعنی تقدیر و شکل و اندازه چیزی به‌کار می‌روند و معنای اول چندان استعمالی ندارد. برای نمونه، در آیه شریفه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ (بقره / ۲۹) او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید» اصل کلمه «خَلَقَ» به‌معنای تقدیر می‌باشد.

اخلاق از ریشه «خُلُق» به‌معنای نصیب و بهره مشخص نیز می‌باشد. در نتیجه شخص با اخلاق کسی است که بهره فراوانی از فضائل اخلاقی را دارا است؛ زیرا فضائل یا رذائل اخلاقی هستند که حالت صفت و ملکه‌ای نفسانی را در انسان ایجاد می‌کنند. (فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۴: ۱ / ۵۳)

خُلُقُ ملکه‌ای نفسانی است که باعث می‌شود افعال خاصی از انسان به‌سادگی و بدون نیاز به فکر و تأمل صادر شود. خُلُقُ نیکو یعنی صفات نفسانی پایدار نیکو و خُلُقُ بد یعنی صفات نفسانی پایدار بد که خُلُقُ نیکو را فضیلت و خُلُقُ بد را رذیلت نامیده‌اند. فضایل موجب کمال انسان و نیکی دنیا و آخرت او می‌شوند و رذایل، انسان را از کمال واقعی دور می‌کنند و دنیا و آخرت او را تباہ می‌سازند. (همان: ۶۰)

برخی از لغت‌شناسان نیز معتقدند خُلُق و خُلُق هر دو به یک معنا هستند؛ لکن خُلُق به هیئت‌ها و شکل‌ها و صورت‌هایی اختصاص دارد که به‌وسیله چشم قابل دیدن هستند و خُلُق به خوی و سجایایی که با بصیرت و دیده دل درک می‌شود، اطلاق می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۵۹)

در واقع جداکننده تعبیر خُلُق از خُلُق، ابوحامد محمد غزالی است که می‌گوید: خُلُق، قابل تغییر نیست؛ اما خُلُق چنین است و این تغییر هم در اعتقادات و هم در اخلاقیات و هم در اعمال ممکن است. (غزالی، ۱۳۵۱: ۳ / ۵۲) البته اولین بار خطوط اصلی این مطالب را فارابی، ابن‌سینا و ابن‌مسکویه بیان کرده‌اند و سپس غزالی شارح سخنان ایشان بوده است. شاهد مثال مدعای غزالی این است که برخی از آیات قرآن به‌صورت روشن، گذشته از اینکه مصداق تغییر را گوشزد می‌کنند، تغییر اخلاق انسان را هم تذکر می‌دهند.

## ۲. علم اخلاق

«علم اخلاق» از جمله دیرینه‌ترین دانش‌های بشری است؛ چراکه از دیرباز دغدغه بشر بوده است و در کهن‌ترین متونی که از فرهنگ‌های مختلف برجای مانده نیز با آموزه‌های اخلاقی مواجه می‌شویم. توصیه‌ها و دستورات فراوانی که از حکما و فرزندانگن درباره رفتارهای درست و نادرست و خصلت‌های خوب و بد رسیده، همه گویای سابقه دیرینه این دانش است.

در تعریف اصطلاحی علم اخلاق نیز اگرچه عبارات علما دارای تفاوت است با اندک تأملی درمی‌یابیم که همه، حقیقت واحدی از مفهوم اخلاق را در نظر داشته‌اند؛ لکن در اظهار و بیان این حقیقت، آن را به الفاظ و تعابیر مختلفی ترسیم نموده‌اند و لذا اختلافاتی لفظی در این حوزه پیش آمده است. در اینجا برخی از آنچه را علمای اخلاق در تعریف آن بیان داشته‌اند، ذکر می‌کنیم تا در نهایت به مفهوم و حقیقت واحدی که همه تعاریف بدان اشاره دارد، دست یابیم.

ابوعلی مسکویه که از عالمان پیشین است، در تعریف علم اخلاق چنین می‌گوید: «خُلُق همان حالتی است که برای نفس انسانی حاصل می‌گردد که نفس را به جانب افعال آن و بدون تفکر و تأمل به‌سوی کارهایی تحریک و فرامی‌خواند.» (ابن‌مسکویه، ۱۴۱۵: ۵۱) وی در کتاب خویش به نام *تهذیب الاخلاق* قول غزالی را از کتاب *احیاء العلوم* نقل می‌کند و بر این مطلب تأکید دارد که «آن هیئت نفسانی و حالت

راسخه‌ای که خُلق نامیده می‌شود، اگر کانون افعال نیکو باشد، آن را خُلق حَسَن و اگر مصدر اعمال زشت باشد، آن را خُلق قبیح می‌نامند.» (همان: ۲۵)

درواقع تفاوت تعریف غزالی با تعریف یادشده از ابن‌مسکویه در کلمه هیئت راسخه است که براساس آن، تا صفتی آن حالت راسخ را در نفس انسان پیدا نکند، آن صفت به آن شخص اطلاق نمی‌شود و همچنین افعال خوب و بد از انسان به‌راحتی صادر نمی‌شود. (غزالی، ۱۳۵۱: ۳ / ۵۲)

دکتر محمدباقر حجّتی در کتاب *روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی* این مبحث را جزء مفاهیم اخلاقی نمی‌داند؛ بلکه از اوامر یا ارکان تعریف غزالی برمی‌شمارد. وی معتقد است: «این توجیه اخلاق از نظر غزالی صرفاً عبارت از عمل یا مجرد رفتار نیست و سخنی نسبتاً کامل است.» (عبدالکریم، ۱۳۶۵: ۲ / ۳۳۱)

خواجه نصیرالدین طوسی نیز که در کتاب *اخلاق ناصری* شبیه ابن‌مسکویه مشی نموده است، می‌نویسد:

خُلق ملکه‌ای نفسانی است که باعث صدور افعال بدون فکر و تأمل است و در حکمت نظری روشن شده است که از کیفیات، آنچه به‌سرعت از بین می‌رود، آن را حال خوانند و آنچه زوال آن به‌کندی باشد، آن را ملکه گویند. پس ملکه کیفیتی بود از کیفیات نفسانی و این ماهیت خُلق است. (طوسی، ۱۳۶۴: ۱۰۱)

فیض کاشانی صاحب کتاب *المحجة البيضاء* نیز علم اخلاق را علمی می‌داند که به کمک آن از حالات مختلف قلب اطلاع حاصل می‌شود که برخی از آنها پسندیده است، مانند صبر، شکر، اخلاص و شماری دیگر مذموم و قبیح است، مانند حسد و خیانت. (فیض کاشانی، بی‌تا: ۳۱)

### ۳. الزامات اخلاقی در قرآن کریم

قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی تبیین علم اخلاق برای دستیابی به اهداف خود مانند استواری نظم، عدالت و تأمین سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت، انجام و ترک پاره‌ای از امور را به‌گونه بایدها و نبایدها بر مکلفان اجبار و الزام نموده است و تمام کسانی که بالغ و عاقل هستند، موظف‌اند این اوامر و نواهی را رعایت کنند. این الزام در باطن خود با بسیاری از تکالیف و رفتار آدمی، مانند مسئولیت، پاداش، عقاب و ... رابطه دارد.

هر مذهب اخلاقی که شایستگی بهره‌مندی از نام اخلاق را داشته باشد، بر عنصر «الزام» بنیان نهاده شده است. از این‌رو الزام، قاعده‌ای اساسی و عنصری مرکزی است که نظام اخلاقی با عناصر ساخت‌واره‌ای آن، بر گرد آن چرخیده و نبود و ناپیدای آن به‌منزله اضمحلال جوهر حکمت عملی است. (درّاز، ۱۴۰۸: ۲۱)

بی‌تردید این الزام و اجبار، اعتبار و ارزش خود را از جایی یافته است. برخی از اندیشمندان معتقدند عقل و مدرکات آن سرچشمه این الزامات می‌باشند و بر این باورند که مفاهیم اخلاقی از خصوصیت ویژه‌ای در نهاد گزاره‌های اخلاقی حکایت می‌کنند که عقل آن را دریافته، به الزام آن حکم می‌کند. برای نمونه، شیخ ندیم الجسر، اندیشمند مصری، در کتاب خود می‌نویسد:

از بدیهیات است که الزام به کمک عقل در محیط اخلاق وارد می‌شود. عقل استوانه الزام و نخستین راه آن است. خداوند در قرآن به روشنی بیان کرده که انسان را آفریده است تا او را عبادت کند و مورد آزمون قرار دهد. اجباری در دین نیست و اوامر و نواهی را در جهت راهنمایی انسان بیان کرده است. از این رو اکتفای عقل به درستی قضایای عقلی و مبادی و احکام، نخستین نوع از انواع الزام است. (الجسر، ۲۰۰۴: ۱۰۲)

در نقد این نظریه باید گفت عقل به تنهایی قادر بر ایجاد الزام در امور اخلاقی نیست و نیازمند شرع و وحی الهی می‌باشد؛ چراکه وحی از سویی عقل را تأیید کرده و از سوی دیگر، آن را در بستری از رهنمودهای ارزشی قرار داده است تا در احکام خویش چشم‌پسته مغلوب هوای نفس نباشد. امام زین العابدین علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ وَالْأَرَءَاءِ الْبَاطِلَةِ وَالْمَقْيَاسِ الْفَاسِدَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۳۰۲) نمی‌توان با عقل‌های ناقص و نظرهای باطل و قیاس‌های فاسد به دین خدا رسید». از طرفی دیگر، خداوند در ضمیر آدمی نیرویی به نام «وجدان» آفریده که تمامی تکالیف آدمی را از درون به وی می‌نمایاند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ» (انبیا / ۷۳) می‌نویسد:

خداوند فرموده است «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ أَنْ افْعَلُوا الْخَيْرَاتِ» در این صورت تکلیف به فعل خیر، تکلیف تشریعی خواهد بود؛ بلکه فرموده است «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ» بدین معنا که انجام خیر را به قلب مردمان الهام کرده‌ایم تا ایشان در آنجا از قلب خود دستور گیرند. (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۴ / ۳۳۳)

به نظر می‌رسد نمی‌توان وجدان را به صورت منبع و سرچشمه‌ای مستقل در نظر گرفت؛ مگر آنکه تنها قلمرو آن را محدود به خلقیات طبیعی و ذاتی بدانیم؛ چراکه امام صادق علیه السلام در تقسیم‌بندی اخلاق به طبیعی و اکتسابی می‌فرماید: «اخلاق، ارمغان خداوند به آفریدگانش است، برخی از مردم اخلاقتان ذاتی است و برخی اکتسابی». روای از امام پرسید کدام بهتر است؟ حضرت فرمود: «اکتسابی؛ زیرا دارنده اخلاق ذاتی ناگزیر است و رفتاری که از او ناگزیر است و رفتاری که از او ظاهر می‌گردد، ناخواسته است و غیر از آن نمی‌تواند باشد؛ اما دارنده اخلاق اکتسابی خود را برای فرمان‌داری و ادار می‌کند. بنابراین

دومی دارای فضیلت بیشتری است»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۰۱)

در همین راستا، بیشتر اندیشمندان معتقدند سرچشمه الزامات اخلاقی، اوامر الهی است که از طریق وحی به بشریت منتقل شده است و در زمان حاضر، دین مبین اسلام و قرآن کریم به‌عنوان یک دین جامع و کامل، بیانگر این الزامات می‌باشد. قوانین دین اسلام از اراده لایزال الهی ناشی می‌شود و خداوند نیز خالق انسان و طبیعت و آگاه از تمام نیازهای بشر است. لذا تنها احکام نورانی این دین می‌تواند منطبق با عقل، وجدان و نیازهای فردی و اجتماعی انسان باشد.

معادل معنایی مفهوم اخلاق در قرآن کریم، واژه «حکمت» است که در دوره پیش از اسلام نیز نزد اعراب شبه‌جزیره به مفهوم «خرد اخلاقی» کاربرد داشته و قرآن کریم نیز همان معنا را حفظ کرده و با نگرشی ستایش‌آمیز از آن یاد کرده است: «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (نساء / ۵۴) و «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» (لقمان / ۱۲)

در قرآن کریم هنگام سخن گفتن از آنچه خداوند به پیامبران خود عطا کرده، بارها «حکمت» در عرض «کتاب» آمده و در تبیین اهداف رسالت نیز همواره تعلیم حکمت در کنار آموختن کتاب جای گرفته است: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (بقره / ۱۲۹ و ۱۵۱)

همچنین واژه «تزکیه» که به‌معنای پاک کردن نفس از رذایل و آراستن آن به فضائل اخلاقی است، در آیاتی از قرآن کریم در کنار تعلیم کتاب و حکمت، از اهداف رسالت پیامبر اکرم ﷺ شمرده شده و جز در یک آیه (بقره / ۱۲۹) همواره تزکیه بر تعلیم مقدم شده است. (ر.ک: بقره / ۱۵۱؛ آل عمران / ۱۶۴؛ جمعه / ۲) برای این اساس می‌توان گفت آراستن مردم به اخلاقی شایسته، از جمله اهداف اصلی در تعالیم قرآنی و رسالت پیامبر اکرم ﷺ بوده است.

در نهایت باید گفت نظام اخلاقی قرآن کریم، نظامی دینی است و پایه دستورهای آن، رابطه انسان با خداوند است. انسان هدایت نخستین را از خداوند دریافت داشته است و این توانایی را دارد که با الهام از هدایت الهی، راه راستی را پیش گیرد یا در راه بی‌فرجام گام گذارد. (انسان / ۶؛ شمس / ۱) قرآن کریم بارها اطاعت از رسول خدا را در کنار اطاعت از خداوند قرار داده (آل عمران / ۱۲) و در آیه‌ای به صراحت چنین آمده است که آنچه را رسول آورده، بگیرید و آنچه را از آن نهی کرده، واگذارید (حشر / ۹) و رسول اکرم ﷺ را برای مؤمنان اسوه‌ای نیک معرفی کرده است. (احزاب / ۳۱) بدین ترتیب نه‌تنها دستورهای گفتاری، کردار پیامبر ﷺ نیز برای مسلمانان نمونه‌ای اخلاقی معرفی شده است.

۱. الخُلُقُ مِنْحَهُ يَمْنَحُهَا اللَّهُ مَنْ شَاءَ مِنْ خَلْفِهِ فَمِنْهُ سَجِيَّةٌ وَمِنْهُ بِنِيَّةٍ فَقُلْتُ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ صَاحِبُ النَّبِيِّ أَفْضَلُ فَإِنَّ صَاحِبَ السَّجِيَّةِ هُوَ الْمَجْبُورُ عَلَيَّ الْأَمْرِ الَّذِي لَا يَسْتَطِيعُ غَيْرَهُ وَصَاحِبُ النَّبِيِّ هُوَ الَّذِي يَتَصَبَّرُ عَلَيَّ الطَّاعَةَ فَيَصْبِرُ فَهَذَا أَفْضَلُ.

#### ۴. معیار گزاره‌های اخلاقی در قرآن کریم

اخلاق اسلامی، اخلاقی دینی است و همه ویژگی‌ها و امتیازات یک نظام اخلاق دینی را دارا است. بنابراین قبل از بیان موارد اخلاقی استخراج‌شده از کلام مفسران درباره سوره اسراء مناسب است برخی از ملاک‌ها و معیارهای این نظام اخلاقی دینی و به‌طور کلی افعال اخلاقی را برشماریم. در باب معیار فعل اخلاقی، آرای گوناگونی وجود دارد. برخی می‌گویند معیار فعل اخلاقی این است که در آن غیر هدف باشد، نه خود انسان؛ یعنی هر فعلی که ناشی از غریزه باشد، غیر اخلاقی است و هر فعلی که ناشی از عاطفه باشد، اخلاقی است. لذا به‌طور کلی می‌توان موارد ذیل را به‌عنوان ملاک‌ها و معیارهای گزاره‌های اخلاقی برشمرد که بر مبنای نظام اخلاق اسلامی استخراج شده‌اند:

#### یک. متکی بر وحی

هر نظام اخلاقی که بخواهد راهنمای سعادت و هدایت بندگان الهی به‌سوی بهشت و حقیقت باشد، لازم است افعال اخلاقی آن متکی بر وحی باشد. این ویژگی باعث می‌شود راهنمایی‌های اخلاقی آن مصون از خطا بوده، در طول زمان نیز تغییر پیدا نکنند. با توجه به این دیدگاه، اگر امر و ناهی احکام اخلاقی، خداوند باشد، خدایی که آفریننده انسان است و همه ابعاد وجود او و چگونگی رابطه او با همه هستی را می‌شناسد، در این‌صورت اطمینان خواهیم داشت که عمل به دستورات او ثمربخش و محقق‌کننده کمال انسان است.

#### دو. متکی بر فطرت

پیروی از هر حکم اخلاقی نیازمند انگیزه‌ای درونی است. انسان زمانی برای انجام عملی برانگیخته می‌شود که به طریقی بر درستی آن واقف شود. راه وقوف بر درستی افعال اخلاقی نیز یافتن آن در فطرت انسان است. به عبارت دیگر، همان‌گونه که حکم انجام افعال اخلاقی از منبع وحی صادر می‌شود و هیچ تردیدی در خصوص آگاهی و خیرخواهی خداوند در دل مؤمنان وجود ندارد، در خصوص وجدان فطری آن فعل اخلاقی و متکی بر طبیعت بشری انسان نیز چنین آگاهی‌ای باید برای انسان وجود داشته باشد.

#### سه. مبتنی بر غایت و هدفی سعادت‌بخش

اخلاق دینی از طریق جهان‌بینی دینی در جان انسان مؤمن تحکیم می‌شود. در جهان‌بینی دینی، همه عالم هدف‌دار آفریده شده و به‌سوی غایتی حکیمانه در حرکت است و انسان مؤمن با انجام وظایف اخلاقی خویش، خود را با نظام هستی هماهنگ می‌کند و به‌سوی سرانجامی خوشایند و مطمئن رهسپار می‌شود.

#### چهار. مبتنی بر حسن و قبح ذاتی

انسان مؤمن با اعتقاد به وجود خداوند و باور به اینکه افعال اخلاقی الهی دارای حسن و قبح ذاتی می‌باشند

و تعهد به آنها نه تنها یک امر دینی، که یک امر عقلایی و فطری است، نسبت به انجام افعال اخلاقی انگیزه بیشتری پیدا می‌کند. این خود ضامن اجرایی قوی و همیشگی برای اجرای احکام و افعال اخلاقی است.

#### پنج. توجه به همه ابعاد وجودی انسان

افعال اخلاقی اسلامی همه عرصه‌های حیات اجتماعی و فردی انسان را دربر می‌گیرد و به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و تمامی روابط انسانی را تحت پوشش هدایت اخلاقی خود قرار می‌دهد.

#### شش. قابلیت اجرا برای انسان

از دیگر معیارهای افعال اخلاقی این است که انجام آنها از سوی انسان‌ها ممکن و مقدور باشد. به عبارت دیگر، تکالیف اخلاقی اسلامی زمانی اثربخش خواهند بود که قابلیت اجرا داشته باشند و برای عموم مردم جامعه اسلامی طاقت‌فرسا نباشند.

#### هفت. قابلیت تطبیق با مقتضیات زمانی و مکانی

یکی دیگر از ملاک‌های افعال اخلاقی این است که قابلیت تطبیق با شرایط زمانی و مکانی مختلف را دارا باشند. این ملاک از جمله برجسته‌ترین ملاک‌های اخلاقی است؛ زیرا یک نظام اخلاقی در صورتی پاینده و برقرار می‌ماند که بتواند به نیازهای اخلاقی انسان در شرایط مختلف زمانی و مکانی بهترین پاسخ را ارائه دهد.

نیازهای انسان در عین ثباتی که در همه زمان‌ها و مکان‌ها دارند، همراه با شرایط و ویژگی‌های هر عصر و هر مکان، مصادیق و مظاهر گوناگونی می‌یابند. افعال اخلاقی به جهت آنکه معطوف به نیازهای اخلاقی انسانی است، جنبه ثابت و پاینده‌ای را در خود دارد و چون در طی زمانی طولانی با اوامر معصومین با شرایط متفاوت اجتماعی و تاریخی تطبیق شده‌اند، وجه انعطاف‌پذیر ظواهر و مظاهر آن نیز شناسایی شده است. بنابراین بی‌آنکه به ورطه نسبیّت مبتلا شود، می‌تواند پاسخ‌گوی انسان در همه زمان‌ها و جوامع باشد. (مطهری، ۱۳۷۷: ۲ / ۱۹۱)

#### ب) رابطه دین و اخلاق

بین دین و اخلاق، رابطه مستحکمی وجود دارد؛ زیرا نظام اخلاق دینی، وحیانی است و در کنار اصول اعتقادات و احکام و قوانین فقهی براساس مصالح و مفاسد نفس‌الامری وضع گردیده است. بر این اساس، احکام اخلاقی از احکام دین شمرده شده، در متن آن قرار دارد و به همین جهت دین در اخلاق کارکردهای فراوانی دارد.



پشتوانه بودن برای اخلاق، ضامن اجرایی بودن برای آموزه‌های اخلاقی، خاستگاه بودن برای الزام، تأمین مفاهیم اصلی و فرعی، تأمین مفاهیم مبتنی بر فطرت و گرایش‌های عاطفی و غریزی، توجه به حُسن فاعلی، تبیین و تعلیل ردائل و فضائل، روش‌های تربیت اخلاقی، منشأ بودن برای ارزش‌های اخلاقی و منبع استنباط احکام اخلاقی، برخی از کارکردهای دین در نظام‌های اخلاقی می‌باشند. (شریفی، ۱۳۸۹: ۵۶ - ۵۰)

هریک از اجزای آفرینش را که با دقت مورد مطالعه قرار دهیم، متوجه می‌شویم که در هستی خود هدف و غایتی دارد که از نخستین روز آفرینش به‌سوی آن حرکت می‌کند. همچنین در ساختمان خود تجهیزاتی دارد که مناسب با آن هدف بوده، سعادت و کمال او نیز رسیدن به همان هدف و غایت است. این مطلب در قرآن کریم این‌چنین بازتاب یافته است.

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ. (طه / ۵۰)

گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازم آفرینش او بوده داده سپس هدایت کرده است!

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ \* وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ. (اعلیٰ / ۳ - ۲)

همان خداوندی که آفرید و منظم کرد و همان که اندازه‌گیری کرد و هدایت نمود.

در این میان، انسان نیز همانند سایر انواع آفرینش هدفی دارد که دربردارنده سعادت اوست و مناسب با تجهیزات وجودی خود به‌سوی آن در حرکت است. از آنجا که خداوند تنها آفریننده جهان هستی است، او را به‌سوی هدفش هدایت می‌کند و مهم‌ترین و ریشه‌دارترین قوانین و مقررات را که به‌کار بستن آنها سعادت وی را تضمین می‌کند، از طریق وحی و رسولانش به انسان گوشزد می‌کند:

و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است، که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است. (شمس / ۱۰ - ۷)

در نتیجه خداوند سبحان هر یک از آفریده‌های خود از جمله انسان را به‌سوی سعادت و هدف آفرینش راهنمایی می‌فرماید و مقررات و قوانینی را که انسان باید در زندگی فردی و اجتماعی خود به‌کار ببندد، برای او مشخص نموده است و انسان با اراده و اختیار خویش آن الزامات اخلاقی را برای رسیدن به سعادت انجام می‌دهد. به همین دلیل، بر هر اندیشمندی لازم است که جهت استخراج مبانی، اصول، الزامات و گزاره‌های اخلاقی به قرآن کریم مراجعه و از این سرچشمه کسب فیض کند.

**ج) روش تحقیق**

یکی از روش‌های مناسب جهت تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها، استفاده از روش «تحلیل محتوا»<sup>۱</sup> باشد. این روش با تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزاره‌های استخراج‌شده از متن، جهت‌گیری و نقش هر کدام را بیان و چارچوب حاکم بر آنها را کشف می‌کند. تحلیل محتوا درحقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به‌منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و ... برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند. (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹)

در حقیقت تحلیل محتوا درباره متنی معنا پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام و مفاهیمی نوشته شده و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا در مورد کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده، بدیهی و مشخصی هستند، به کار نمی‌رود. پیام‌هایی که از طریق متن منتقل می‌شود، می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد؛ لذا به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها به صورت نظام‌مند بوده، از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کنند. لذا آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری می‌باشد.

لاسول، عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را مطالعه ارتباطات به‌منظور پاسخ دادن به این سؤال قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تاثیری؟ می‌گوید.» (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱: ۲۲۲)

برای انجام این تحقیق، پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف درباره آن بحث شده است، براساس فن تحلیل محتوای مضمونی و بر مبنای واحد آیات و به صورت کمی و کیفی، جداول تحلیل محتوا تشکیل شده و سپس مفاهیم، جهت‌گیری‌ها و نقش هدایتی هر کدام از آیات استخراج شده است. ابتدا با نگاه تفسیری به هر آیه، گزاره‌های اخلاقی تشکیل‌دهنده مضامین و جهت‌گیری‌های هر آیه استخراج شده و سپس نقش هدایتی هر کدام درج گردیده است. برای استخراج گزاره‌های اخلاقی آیات این سوره، بیشتر تفاسیر موجود بررسی شده‌اند که در نمونه‌های بیان شده و منابع آن درج گردیده است. فرآیند روش انجام این تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

- استخراج آیات اخلاقی براساس مطالعه تفاسیر معاصر.

- استخراج مفاهیم و مضامین اخلاقی ذکرشده در تفاسیر و ثبت در جدول تحلیل محتوا.

- کشف جهت‌گیری اصلی هر کدام از مفاهیم اخلاقی ثبت‌شده.

---

**I. Content Analysis.**

- یافتن ارتباط میان مفاهیم اخلاقی جهت یافتن نقاط تمرکز آنها.
- کشف نقش هدایتی هر کدام از مفاهیم اخلاقی ثبت شده.
- مقوله‌بندی مضامین و موضوعات اصلی و فرعی مشترک آیات.
- مدل‌سازی و ارائه نظریه براساس نتایج تحقیق.

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، علت برگزیدن روش تحلیل محتوا برای کشف نظام اخلاقی است. یکی از ویژگی‌های قرآن کریم، ظاهر و باطن داشتن آن است که تا چندین لایه درونی ادامه می‌یابد. به نظر می‌رسد یکی از روش‌های تحقیق مناسب و علمی برای کشف لایه‌های درونی ظواهر آیات قرآن، تحلیل محتوای کیفی کلام باشد. همچنین این روش قابلیت این را دارد که مفاهیم به‌دست‌آمده را بسط ساختاری داده، طبقه‌بندی کند و در قالب جدول، نمودار و مدل ارائه دهد. این مطلب در فضای رشته‌های حوزه علوم انسانی و به‌ویژه رشته الهیات که با بسط تفصیلی دانش مواجه هستند، بسیار اثرگذار است.

#### د) گزاره‌های اخلاقی سوره اسراء

علت انتخاب سوره اسراء آن است که این سوره دارای پیام‌ها و موضوعات گوناگونی از قبیل توحید، معاد، سنت‌های الهی، قوانین اجتماعی و فردی در تاریخ، جایگاه پیامبر ﷺ و مسائل اخلاقی است که در این میان، بخش مهمی از مفاهیم و مفاد آن را مباحث اخلاقی تشکیل می‌دهد. این نکته باعث شده است تا برخی از مفسران، این سوره را از جمله سوره‌های اخلاقی قرآن بنامند؛ چراکه از مجموع مفاهیمی که آیات این سوره ارائه می‌دهد، می‌توان نسخه کاملی از مباحث بنیادین اخلاقی را استخراج کرد.

علامه طباطبایی معتقد است سوره مورد بحث، هدفی را دنبال می‌کند که عبارت است از تسییح خدای تعالی. لذا این مطلب را با اشاره به داستان معراج رسول خدا ﷺ شروع نموده و متذکر شده است. آنگاه کلام را به‌مناسبت، به مقدرات بنی‌اسرائیل کشانده، از عزت و ذلت آنان و اینکه خداوند در هر روزگاری که او را اطاعت می‌کردند، سربلندشان می‌کرده و هر وقت که از در عصیان درمی‌آمدند، ذلیل و خوارشان می‌ساخته است، سخن می‌گوید. همچنین کیفیت نزول کتاب بر آنان و نحوه دعوت آنان به توحید و نفی شرک توضیح داده شده است.

سپس به همین مناسبت، کلام را به وضع مسلمانان و اعراب معطوف ساخته که بر این امت نیز کتاب نازل کرده است. پس اگر اطاعت کنند، اجر می‌برند و اگر عصیان بورزند، عقاب می‌شوند و ملاک کار ایشان مانند آنان به همان اعمالی است که می‌کنند و به‌طور کلی با هر انسانی بر طبق

عملش معامله می‌شود و سنت الهی در امت‌های گذشته نیز بر همین منوال بوده است. (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۳ / ۵)

صاحب تفسیر *احسن‌الحديث* نیز غرض سوره را اثبات پاکی و سبوحیت خدا از راه نظام اتم و اکمل جهان می‌داند؛ چنان‌که نظام خلقت، آفرینش انسان، ارسال پیامبران، ساری بودن جریان عدالت در تمام شئون عالم و کرامت فطرت انسان‌ها، همه حاکی از پاکی و قدرت و علم کامل خداوند است. فشرده و خلاصه مطالب سوره، عنوان کردن مسئله توحید و نفوذ قدرت خداوند در اداره جهان و نداشتن شریک است که لفظ «سبحان» حکایت از این تنزیه، پاکی، بی‌نیازی و شریک نداشتن خدا می‌کند. (قرشی، ۱۳۷۷: ۶ / ۵)

به‌طور کلی می‌توان گفت آیات این سوره بر محور امور زیر می‌باشند:

- دلائل اثبات نبوت، به‌ویژه قرآن و معراج.
- معاد، کیفر، پاداش، نامه اعمال و نتایج آن.
- تاریخ پرماجرایی بنی‌اسرائیل.
- آزادی اراده و اختیار و اینکه نتیجه هرگونه عمل نیک و بد به خود انسان بازگشت می‌کند.
- حساب و کتاب در زندگی این جهان که نمونه‌ای است از زندگی جهان دیگر.
- حق‌شناسی در همه سطوح، به‌ویژه درباره خویشاوندان و پدر و مادر.
- تحریم اسراف و تبذیر، بخل، فرزندکشی، زنا، خوردن مال یتیمان، کم‌فروشی، تکبر و خون‌ریزی.
- توحید و خداشناسی.
- مبارزه با هرگونه لجاجت در برابر حق و اینکه گناه میان انسان و حق پرده می‌افکند.
- ویژگی‌های شخصیت انسان و فضیلت و برتری او بر مخلوقات دیگر.
- تأثیر قرآن برای درمان هرگونه بیماری اخلاقی و اجتماعی.
- اعجاز قرآن و عدم توانایی مقابله با آن.
- وسوسه‌های شیطان و هشدار به همه مؤمنان برای انسداد راه‌های نفوذ شیطان.
- بخشی از تعلیمات گوناگون اخلاقی.
- سرانجام فرازهایی از تاریخ پیامبران به‌عنوان درس عبرتی برای همه انسان‌ها. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۶)

سید قطب که یکی از مفسران معاصر می‌باشد، درباره این سوره، نظریه شخصیت‌محوری را مطرح می‌کند و معتقد است محوری که سایر جملات دیگر سوره بدان قوام می‌یابند و حرکتی که در سوره جریان

دارد و نیز مطلع سوره - که آن را جامع کل پیام و سیاق در سوره می‌داند - در اصل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، معجزه ایشان و دستورات آن است. به همین مناسبت در سوره به موضوع هدایت و گمراهی فردی و اجتماعی افراد جامعه پرداخته می‌شود. (قطب، ۱۴۱۲: ۴ / ۲۲۰۸) وی معتقد است موضوعات متعدد بیان شده در سوره اسراء هر کدام به نوعی به موضوع هدایت و گمراهی فردی و اجتماعی افراد جامعه اشاره دارند و دستورات و راهکارهایی را در این زمینه بیان کرده‌اند.

علامه طباطبایی در تفسیر *المیزان*، آیات شریفه ذیل را از جمله آیات برجسته این سوره می‌داند:

- «كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا؛ (اسراء / ۲۰) هریک از طائفه مؤمن

و غیرمؤمن را از عطای پروردگارت مدد می‌رسانیم و عطای پروردگار تو ممنوع نیست».

- «وَ إِن مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا؛ (اسراء / ۵۸) و هیچ قریه‌ای نیست مگر آنکه ما هلاک‌کننده آنیم».

- «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى؛ (اسراء / ۱۱۰) بگو چه خدا را بخوانید و

چه رحمان راه، به هر نامی که بخوانید، برای اوست اسمای حسنی».

همچنین وجود آیه «عزت» در این سوره از دیگر نکات برجسته آن است و آن آخرین آیه سوره می‌باشد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را «آیه العز» نامیده‌اند. (ابن حنبل، ۱۹۹۳: ۴۰ - ۳۹؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۴۵) از دیگر آیات برجسته، وجود آیه «تحدی» در این سوره است که گفته می‌شود تحدی خاص است؛ چراکه در هیچ سوره‌ای خداوند این گونه جماعت جن و انس را به مبارزه نطلبیده است. (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۳ / ۱۶)

ویژگی‌های بارز این سوره و جامع بودن آن در بیان گزاره‌های اخلاقی باعث شده تا بیشتر علمای اخلاق برای ارتقای بشریت در زمینه دستیابی به مکارم اخلاقی از مضامین آن استفاده کنند. این درحالی است که به دلیل حجم گسترده مفاهیم اخلاقی این سوره و لزوم بازبینی مجدد آرای مفسران درباره دسته‌بندی و تقسیم گزاره‌های اخلاقی ارائه شده، همچنان عرصه برای ورود به این حوزه و نگاهی مجدد به آنچه براساس دانش اخلاق نوین مطرح شده، باز می‌باشد.

#### ۱. اخلاق فردی در سوره اسراء

در این بخش برای استخراج مفاهیم و موضوعات اخلاقی سوره اسراء، ابتدا تفاسیر متعدد مورد مطالعه قرار گرفته که در طی آن همه آیات حاوی گزاره‌های اخلاقی مشخص شده و آنگاه جهت‌گیری، نقطه تمرکز و نقش هدایتی آنها در قالب جدول تحلیل محتوا بیان شده است. در ادامه، مجموع این مباحث به صورت تفکیک شده و در قالب دو زیرمجموعه گزاره‌های فردی و اجتماعی درج شده‌اند که هر کدام به شاخه‌های دیگری نیز تقسیم شده است:

### اصول و مبانی اخلاق فردی

اصول و مبانی نظری عبارتند از مجموعه‌ای از اصول و معارفی که افراد جامعه به‌صورت فردی و اجتماعی آنها را پذیرفته‌اند و به آنها باور دارند و عمل خود را بر این مبانی استوار می‌سازند. درحقیقت این مبانی فکری، ریشه‌ی الزامات، مقدمات و موانع اصل هدایت هستند که از جنس معرفت و شامل مجموعه شناخت‌هایی است که انسان از خود، خدا، عالم هستی و امور پیرامونی خویش دارد و به ارزش‌ها و رفتارهای او جهت می‌دهد.

اصول و مبانی نظری اخلاق فردی شامل مواردی هستند که تخطی از آنها تحت هیچ شرایطی جایز نیست و به‌مثابه خطوط قرمزی می‌باشند که محدوده حرکت انسان را در راه هدایت به‌سمت مقصد نهایی مشخص می‌کنند. بنابراین اصول و مبانی نظری، یکی از مقوله‌های بسیار مهم در ترسیم چهره حقیقی اهداف و کارکردهای قرآن و دین اسلام است که بخش عمده‌ای از آیات اخلاقی سوره اسراء در همین راستا است.

جدول (۱): اصول و مبانی اخلاق فردی

| ردیف | شماره | آیه   | موضوع اخلاقی برداشت‌شده از آیه                    |
|------|-------|---|---|
| ۱    | ۷     | إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءَ وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا | تأثیر تلاش انسان در وصول به اهداف                 |
| ۲    |       |   | تبیین آزادی و اختیار انسان                        |
| ۳    | ۱۱    | وَيَدْخُلُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا  | تأکید بر خیرگرایی فطری انسان                      |
| ۴    | ۱۵    | مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا  | رابطه هدایت و ضلالت با عمل انسان                  |
| ۵    |       |   | بازتاب طبیعی و تکوینی اعمال انسان                 |
| ۶    |       |   | همسان بودن میزان هدایت و ضلالت با میزان علم و عمل |
| ۷    |       |   | نقش اختیار در هدایت و ضلالت انسان                 |
| ۸    | ۳۲    | وَلَا تَقْرَبُوا الزُّنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا   | تبیین پیامدهای سوء اعمال ناپسند                   |
| ۹    | ۳۴    | وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا   | تبیین تجسم اعمال                                  |
| ۱۰   | ۳۶    | وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا  | اثبات ادراک حضوری از طریق قلب                     |
| ۱۱   | ۷۲    | وَمَنْ كَانَ فِي هِدْيَةٍ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا  | کسب ایمان و معرفت از طریق قلوب                    |
| ۱۲   |       |   | شخصیت اخروی، بازتابی از شخصیت دنیوی انسان         |

اگرچه در این مقاله فرصت شرح و تفسیر کلیه آیات فراهم نمی‌باشد، به‌اختصار برخی از مطالب ضروری و مهم تشریح خواهند شد.

اصل تأثیر تلاش انسان در وصول به اهداف و تبیین مسئله آزادی و اختیار انسان از جمله اصول و موضوعات اخلاقی است که از آیه شماره ۷ سوره اسراء برداشت می‌شود. انسان باید بداند تلاش‌های او در رسیدن وی به اهداف و خواسته‌هایش نقش اساسی دارد و نتیجه آنها عاید خودش می‌گردد تا با دلگرمی به تلاش و فعالیت بپردازد؛ چراکه اگر انسان، مطلوب نهایی داشته باشد، ولی گمان کند تلاش او بی‌اثر است و یا نفع آنها عاید دیگران می‌شود و به هر حال در نزدیک شدن وی به مطلوب نهایی مفید نیست، انگیزه کار و کوشش در وی ضعیف خواهد شد. دومین نکته اینک، کامیابی و رستگاری انسان بدون تلاش اختیاری تحقق‌پذیر نیست و انسان تنها با تلاش خویش می‌تواند به مطلوب نهایی خود برسد و دیگران نمی‌توانند سرنوشت او را تغییر دهند. از نوع بیان خداوند نیز به‌خوبی پیداست که انسان را با بیان بازگشت هرگونه نتیجه اعمال به خود او مخیر گذاشته است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۱ / ۳۷)

این آیه در مقام تبیین فرجام یا تأثیر بازتاب اعمال و رفتار انسان و بیان‌کننده این حقیقت است که ای انسان، آگاه باش که هیچ چیزی از نظام عالم در نزد خداوند متعال مفقود نمی‌شود و سعادت و شقاوت انسان در گرو اعمال خود انسان است. این اثر عمل نیز ممکن است هم دنیوی باشد و هم اخروی. صاحب تفسیر المیزان می‌گوید: «اثر دنیوی اعمال ممکن است تحت مشیت خدا به غیر تعلق پذیرد؛

اما اثر فعل دائماً و بدون هیچ تخیلی به خود فاعل برمی‌گردد.» (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۳ / ۵۴)

بیان گزاره اخلاقی آزادی و اختیار در انسان نیز از دیگر نکاتی است که ذیل این آیه شریفه مطرح می‌شود؛ با این توضیح که انسان در انجام اعمال خود با توجه به اینکه به دست خود سعادت و شقاوت خود را رقم خواهد زد، کاملاً آزاد و مختار است؛ چنان‌که در جای دیگر آگاهی می‌دهد که جزای هر چیزی از جنس همان چیز است و هرکسی نتیجه آنچه را انجام داده است، خواهد دید.

### الزامات اخلاق فردی

برای حرکت در مسیر هدایت و باقی ماندن در این مسیر و رسیدن به اهداف و غایاتی که در آیات متعدد قرآن تحت‌عنوان هدایت و سعادت بشر به آنها اشاره است، باید الزاماتی رعایت شود که برخی از آنها در سوره اسراء مطرح شده است. این الزامات تسهیل‌گر و تسریع‌کننده حرکت و نیز ضامن دستیابی به اهداف هستند و بدون فراهم آوردن و کسب این الزامات، حرکت فرد یا جامعه با سه حالت احتمالی کنده حرکت، توقف یا انحراف از راه مواجه خواهد شد.

جدول (۲): الزامات اخلاق فردی

| ردیف | شماره | آیه   | موضوع اخلاقی برداشت‌شده از آیه                                  |
|------|-------|---|---|
| ۱    | ۲۲    | لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُومًا   | توحید اصلی‌ترین راه تهذیب نفس                                   |
| ۲    | ۲۳    | وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا | اخلاص در توحید و عبودیت   |
| ۳    |       |   | لزوم اخلاص در عمل   |
| ۴    | ۲۸    | وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا  | لزوم امیدواری به رحمت خداوند                                    |
| ۵    |       |   | لزوم همراهی اصل تلاش و امید                                     |
| ۶    | ۳۱    | وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرِزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَاتَلْتُمْ كَانَتْ خِطَاءً كَبِيرًا  | لزوم ایمان به خالقیت خداوند                                     |
| ۷    |       |   | لزوم ایمان به رزاقیت خداوند                                     |
| ۸    |       |   | لزوم ترس از عذاب الهی   |
| ۹    | ۳۶    | وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا   | تأکید بر علم مفید   |
| ۱۰   |       |   | لزوم پیروی از علم و یقین و پرهیز از ظن و گمان                   |
| ۱۱   |       |   | لزوم به‌کارگیری امکانات در مسیر صحیح                            |
| ۱۲   | ۶۵    | إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا   | لزوم توکل به خداوند   |
| ۱۳   |       |   | توکل از جلوه‌های عبودیت خداوند                                  |
| ۱۴   | ۷۲    | وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا  | تأکید بر اهمیت بصیرت  |
| ۱۵   | ۷۹    | وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا   | تأثیر نماز شب در تعالی روح انسان                                |
| ۱۶   |       |   | لزوم تلاش برای دستیابی به مقام محمود                            |
| ۱۷   | ۸۳    | وَإِذَا أُنْعِمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَسَىٰ جَازِيئَهُ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوسًا   | لزوم تعالی علم و آگاهی در پرتو ایمان و تقوا برای مبارزه با تکبر |
| ۱۸   | ۱۱۰   | قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوا يَمَّا اتَّبَعَتْ بَيْنَ يَدَيْكَ سُبُلًا  | لزوم عبادت خداوند براساس روش صحیح                               |
| ۱۹   |       |   | رعایت تعادل و آرامش در عبادات                                   |

در آیه ۳۱، مسئله نهی از فرزندکشی مطرح شده است. یکی از حقوق و مصالح اعضای جامعه، حق حیات و حفظ نفوس است که ارزش منفی مقابل آن قتل نفس می‌باشد. این عمل زشت در قرآن کریم بعد از شرک به خداوند، جزء بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده است. قتل نفس و به‌خصوص قتل کودکان و فرزندان از گناهان کبیره است که در زمان پیامبر ﷺ جریان داشت و اعراب جاهلی فرزندان خود به‌ویژه دختران خود را به انگیزه‌هایی چون حفظ آبرو، ترس از گرسنگی و فقر، ترس از عاقبت و فرجام بد پیدا کردن و تعصب‌های بی‌جا می‌کشتند.



اعتبار در آیات قرآنی به عموم لفظ است. بنابراین حکم هم عام می‌باشد. لذا مقصود اصلی خداوند در این آیه نهی تحریمی از این است که اولاد خود را از ترس فقر و مکتت همانند دوران جاهلیت به قتل برسانید؛ چنان‌که در عصر حاضر، برخی اشخاص سست‌اعتقاد به تصورات واهی اقدام به این عمل شنیع جاهلیت نموده و درصدد انهدام نطفه‌های مسلمان برآمده‌اند.

همچنین خداوند بعد از نهی از کشتن فرزندان و قائل شدن حق حیات برای آنها به عامل بازدارنده مهم از این عمل زشت نیز اشاره می‌کند و انسان را به این حقیقت توجه می‌دهد که انسان مملوک و متعلق به خداوند است و هیچ کس حق ندارد در مملوک خداوند بدون اذن او تصرف کند. البته این عامل تنها می‌تواند برای کسانی مؤثر باشد که حد نصابی از ایمان و توحید به خداوند را داشته باشند. لذا می‌فرماید: «لَنْ تَرزُقَهُمْ وَ إِيَّاكُمْ» که پیام اخلاقی مهم این آیه می‌باشد؛ یعنی ایمان و توکل به خداوند.

### مقدمات اخلاق فردی

برخی از موارد بیان شده در آیات سوره اسراء که در ذیل مفاهیم اخلاقی استخراج شده قرار گرفته‌اند، بیانگر لوازم اولیه و مقدماتی هستند که برای حرکت افراد یک جامعه به سمت هدایت و رشد و تکامل ضروری هستند. به عبارت دیگر، هر فردی که بخواهد به سمت هدایت حرکت کند و به رشد و تکامل و در نهایت سعادت ابدی برسد، به‌ناچار نیازمند شناخت و التفات به این موارد است.

جدول (۳): مقدمات اخلاق فردی

| ردیف | شماره | آیه  | موضوع اخلاقی برداشت شده از آیه            |
|------|-------|--|---|
| ۱    | ۱۱    | وَيَذُرُّ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا  | نقش علم و آگاهی در ایجاد طمأنینه          |
| ۲    |       |  | نقش ایمان در ایجاد طمأنینه                |
| ۳    |       |  | نقش امید و رجا در ایجاد طمأنینه           |
| ۴    | ۲۳    | وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا | عبادت وسیله تحصیل یقین                    |
| ۵    | ۲۴    | وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا   | اهمیت و نقش دعا در تکامل انسان            |
| ۶    | ۳۶    | وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا   | نقش ایمان در عدم ارتکاب معاصی             |
| ۷    |       |  | اهمیت علم و دانش و بصیرت                  |
| ۸    | ۳۷    | لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا  | توجه به ضعف‌های انسان، راه مقابله با تکبر |
| ۹    | ۷۹    | وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا   | نقش عبودیت در کمال انسان                  |

|   |  |    |
|---|--|----|
| تأکید بر توحید افعالی                   | وَ إِذَا أُنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوسًا ۸۳                                    | ۱۰ |
| علم و دانایی، ریشه ایمان به خدا         | قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ۱۰۷ | ۱۱ |
| تأثیر تلاوت قرآن در افزایش ایمان و خشیت | وَ يَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ۱۰۸   | ۱۲ |

### موانع هدایت فردی

آزادی و اختیار برای حرکت در هر مسیری، لازمه حرکت است. بنابراین شناخت موانع راه و تلاش برای رفع موانع پیش‌رو برای رسیدن به هدف ضروری است؛ در غیر این صورت با وجود موانع قوی و متعدد، حرکت در هر جهتی غیرممکن یا بسیار مشکل و کند خواهد شد.

انسان‌ها دارای استعدادها بی‌نهایت در هر دو جهت مثبت و منفی (صعودی و نزولی) برای رسیدن به اعلی‌علیین یا اسفل‌سافلین هستند. خداوند فرشتگان را از عقل محض خلق کرد و حیوانات را از شهوت محض؛ اما انسان‌ها را از عقل و شهوت با هم خلق نمود. اگر انسان عقل خویش را بر شهوت مسلط کند و انسانیت خود را رشد دهد، به اعلی‌علیین نائل می‌شود و اگر شهوت بر عقل مسلط شده، حیوانیت تقویت گردد، این قابلیت را دارد که از حیوانات پست‌تر شده، به اسفل‌سافلین سقوط کند. در این بخش به آیاتی اشاره شده است که موانع ظهور و تجلی اخلاق در حوزه فردی را بیان می‌کنند:

### جدول (۴): موانع اخلاق فردی

| ردیف | شماره | آیه  | موضوع اخلاقی برداشت شده از آیه            |
|------|-------|--|---|
| ۱    | ۱۱    | وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا   | نهی از عجله و شتاب‌زدگی                   |
| ۲    |       |  | عجله مانع تأثیر هدایتگری قرآن             |
| ۳    | ۳۳    | وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لوكَيْهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا | حرمت خودکشی                               |
| ۴    | ۳۷    | لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا  | تکبر سرچشمه اخلاق ناپسند                  |
| ۵    | ۷۲    | وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا  | عدم بصیرت، در دنیا سبب گمراهی در آخرت     |
| ۶    |       |  | عدم بصیرت نتیجه ترک واجبات و انجام محرمات |
| ۷    | ۸۳    | وَ إِذَا أُنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوسًا   | نهی از تکبر در برابر خداوند               |
| ۸    |       |  | عدم تأثیر معنوی قرآن در متکبران           |
| ۹    |       |  | غرور و یأس، دو بیماری خطرناک اخلاقی       |

آیه «وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء / ۱۱) در مقام اشاره به اصل عجله و شتابزدگی در انسان و اثر آن در خیرات و شرور، خیرگرایی فطری انسان و نقش علم و آگاهی، ایمان، امید و رجا در ایجاد طمأنینه است.

عجله حالتی در دل است که به مجرد خطور امر در ذهن، انسان بی‌درنگ و بدون تأمل درباره آن اقدام کند که این حالت از لوازم ضعف نفس و از دام‌های بزرگ شیطان است. پیامبر اکرم ﷺ در این رابطه می‌فرماید: «الْأَنَاءَةُ مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ (حرّ عاملی، ۱۳۸۷: ۲۷ / ۱۶۹) درنگ از سوی خدا و عجله از شیطان است».

در کتب اخلاقی برای توصیف مفهوم اخلاقی عجله و شرخواهی انسان، طلب اشتباهی که او در استیلا بر دیگر موجودات دارد، مثال زده شده که نوع انسان به دلیل عجله‌ای که در این امر از خود نشان می‌دهد، ریاست این دنیای زودگذر را به سلطنت ابدی ترجیح می‌دهد. (نراقی، ۱۳۶۶: ۲ / ۲۲۲)

نکته دیگر، تأکید بر خیرگرایی فطری انسان است. تشبیه شرخواهی انسان به خیرخواهی او، نشانه آن است که انسان در اصل و فطرتاً خیرگرا می‌باشد. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۶) همچنان که در سوره انبیاء نیز خداوند می‌فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ». (انبیاء / ۷۳)

همچنین ارتباط ظریفی بین هدایتگری قرآن و صفت عجله در انسان وجود دارد. خداوند در آیه ۹ از هدایتگری قرآن برای کسانی که به علم و حکمت و عمل صالح آراسته هستند، سخن گفته و در مقابل از عجله که از آفات فکر و عمل است، سخن گفته است. بر اساس این آیه، آنان که به هدایت استوار قرآن راه نیابند، شتابزده سراغ شر خواهند رفت.

پیام اخلاقی مهم دیگر در آیه، امیدواری به رحمت خداوند است که در اصطلاحات اخلاقی به آن «رجا» گفته می‌شود و نقطه مقابل «یأس» است که آن نیز زمینه کفر می‌باشد. لزوم اهمیت صفت رجا تا جایی است که انسان با عبور از آن مرحله به طمأنینه می‌رسد که در همین آیه به آن پرداخته شده است. (نراقی، ۱۳۶۶: ۳۲۱ - ۳۱۹)

## ۲. اخلاق اجتماعی در سوره اسراء

### اصول و مبانی اخلاق اجتماعی

داشتن باورها و اعتقادات مشخص، اولین اصل برای فعالیت هر انسان و جامعه و تعیین‌کننده جهت حرکت آنها می‌باشد که توجه مستمر به آن، عدم انحراف از مسیر و برنامه تعیین‌شده را ضمانت می‌نماید. این باورها و اعتقادات که درحقیقت همان اصول و مبانی هستند، موجب هماهنگی نیروها و انسجام تلاش‌ها و هم‌افزایی بین عناصر و مؤلفه‌های مختلف اجتماعی می‌گردد. اجتماعی زیستن

ناگزیر وظایف و مسئولیت‌هایی را بر انسان‌ها بار می‌کند که همه افراد باید تکالیف خویش را در برابر دیگران بشناسند و به آنها عمل نمایند. همچنین باید توجه داشت که در نظر گرفتن یک اسوه برای پیمودن راه و الگوبرداری عملی از او، حرکت در راستای اهداف را که همان هدایت و سعادت ابدی است، تسهیل و تسریع می‌نماید.

در این بخش همانند بخش گذشته، اصول و مبانی مطرح‌شده جهت ساخت یک نظام اخلاقی مبتنی بر قرآن کریم در جوامع اسلامی بیان شده است:

#### جدول (۵): اصول و مبانی اخلاق اجتماعی

| ردیف | شماره | آیه  | موضوع اخلاقی برداشت‌شده از آیه     |
|------|-------|--|------------------------------------|
| ۱    | ۲۶    | وَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ  | رعایت اولویت در روابط اجتماعی      |
| ۲    | ۲۹    | وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهُمَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا  | نقش تمثیلات در تفهیم مطالب اخلاقی  |
| ۳    | ۳۱    | وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَهُ الْإِثْلَاقِ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِن قَتَلْتُمْ كَانُوا خَطِيئَةً كَبِيرًا  | حق حیات برای همگان                 |
| ۴    | ۳۳    | وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لوكيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مُنْصُورًا | احترام جان و مال عموم مردم         |
| ۵    |       |  | احترام جان و مال مسلمانان          |
| ۶    | ۳۴    | وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا                                    | توجه به بلوغ فکری در مسئله مالکیت  |
| ۷    |       |  | توجه به حقوق متولیان و سرپرستان    |
| ۸    |       |  | تأثیر اعمال نیک و بد بر ذریه انسان |
| ۹    | ۳۵    | وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا  | توحید و عدالت اساس دستورات اخلاقی  |
| ۱۰   | ۵۳    | وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا                                     | اهمیت نعمت سخن گفتن و بیان         |
| ۱۱   | ۶۵    | إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا  | عدم سلطه شیطان بر بندگان مخلص      |
| ۱۲   | ۸۰    | وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا   | صداقت مبنای اخلاق نیک              |

نکته اخلاقی مورد نظر در آیه ۳۴ سوره اسراء، خوردن مال یتیم است که در زیرمجموعه امور مالی در اخلاق اسلامی مطرح می‌شود و از یک‌سو با مسائل حقوقی و از سوی دیگر با مسائل اقتصادی و سیاسی ارتباط دارد که همه آنها در قلمرو ارزش‌های اخلاقی قرار دارند. خداوند متعال در طرح مسئله خوردن مال یتیم همان تعبیر «لَا تَقْرَبُوا» را که در مورد نهی از زنا نیز استفاده شده بود، تکرار می‌کند؛ چون احتمال لغزش مالی در اموال یتیمان نیز بسیار است؛ لذا هشجاری بیشتری لازم می‌باشد.

از دیگر نکات اخلاقی برگرفته از این آیه می‌توان به مسئله بلوغ فکری ایتام در مسائل مالی و توجه به حقوق متولیان و سرپرستان اشاره کرد. این نشان می‌دهد که بلوغ فکری (ر.ک: نساء / ۶) در احراز صلاحیت تملک و مالکیت اموال در جامعه اسلامی و کیفیت ابلاغ و اجرای آن امری جدی و مهم است.

از دیگر نکات مطرح در این آیه می‌توان به مسئله تأثیر اعمال نیک و بد بر ذریه و نسل انسان اشاره کرد. در آیات متعددی از قرآن کریم به مقایسه یتیم با ذریه ناتوانی که بعد از انسان برجای می‌ماند، اشاره شده و برای تشویق به درستی رفتار و گفتار با یتیمان، از عقوبتی که بر سر ذریه و اولاد شخصی که با یتیمان به نیکی رفتار نکرده است، سخن گفته و هشدار داده شده است که چنین عقوبتی بر سر فرزندان شما نیز خواهد آمد.

در واقع نکته اخلاقی که خداوند در این آیه مطرح می‌کند، پرده برداشتن از ارتباط مسلم بین اعمال نیک و بد انسان و رویدادهای خارجی است. آیه «وَلْيُخْشِ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعْفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء / ۹) نیز دلالت بر این دارد که دایره مکافات و بازگشت اعمال انسان از زمان حال نیز وسیع‌تر است؛ یعنی کار نیک و بد انسان ممکن است حتی در بازماندگان و ذریه او نیز اثر بگذارد. (قرشی، ۱۳۷۷: ۶ / ۶)

### الزامات اخلاق اجتماعی

برای رسیدن همه افراد جامعه به هدایت عمومی که از آن به هدایت اجتماعی تعبیر شده است نیز الزاماتی به شرح ذیل لازم است که در سوره اسراء به خوبی بیان شده است:

جدول (۶): الزامات اخلاق اجتماعی

| ردیف | شماره | آیه   | موضوع اخلاقی برداشت‌شده از آیه |
|------|-------|---|--------------------------------|
| ۱    | ۷     | إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوتُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا | تأکید بر احسان                 |
| ۲    | ۲۳    | وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا | احسان به والدین                |
| ۳    | ۲۴    | وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا   | تواضع در مقابل والدین          |
| ۴    |       |   | طلب رحمت و مغفرت برای والدین   |
| ۵    |       |   | دعای نیک برای والدین           |

| ردیف    | شماره | آیه   | موضوع اخلاقی برداشت‌شده از آیه                |
|---------|-------|---|---|
| ۶       | ۲۶    | وَآتَ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ   | تأکید بر انفاق                                |
|         |       |   | رعایت اعتدال در انفاق                         |
| ۸       | ۲۸    | وَإِنَّمَا تُعْرَضُونَ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا  | لزوم احترام به حقوق مردم                      |
| ۹<br>۱۰ | ۲۹    | وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا  | تأکید بر جود و سخاوت                          |
|         |       |   | لزوم آینده‌نگری در زندگی                      |
| ۱۱      | ۳۳    | وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا | لزوم رعایت عدالت در قصاص                      |
| ۱۲      | ۳۴    | وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا                                       | لزوم وفای به عهد و پیمان                      |
| ۱۳      | ۳۵    | وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا  | لزوم حسن فعلی و فاعلی در تحقق عدالت           |
| ۱۴      | ۵۳    | وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا   | رعایت ادب در کلام الهی                        |
| ۱۵      |       |   | خوش‌رفتاری لازمه عبودیت                       |
| ۱۶      |       |   | خوش‌رفتاری موجب تألیف قلوب                    |
| ۱۷      | ۸۰    | وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا  | لزوم صداقت در گفتار و رفتار                   |
| ۱۸      |       |   | لزوم صداقت در عمل                             |
| ۱۹      | ۱۰۰   | قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا   | تأکید بر انفاق                                |
| ۲۰      |       |   | انفاق بهترین وسیله برای حفظ مال               |
| ۲۱      |       |   | لزوم به‌کارگیری صحیح استعدادها و امکانات الهی |
|         |       |   | ۲۲  |
| ۲۳      |       |   | ۱۰۸   |

### مقدمات اخلاق اجتماعی

مقدمات، اصولی عقلی هستند که هر انسانی فارغ از گرایش‌های دینی خود، به موجب بهره‌مندی از نعمت عقل و اندیشه قادر به فهم و تصدیق آنهاست. از سویی دیگر، این مقدمات خنثا و فاقد جهت مثبت یا منفی نیز نیستند؛ یعنی هر کدام یک سبد مفهومی در اختیار انسان قرار می‌دهند که هم می‌توان محتوای خوب در آن گنجاند و هم محتوای بد. هدف هم می‌تواند الهی و خیر باشد و هم شیطانی و شر؛ وظایف و تکالیف هم می‌توانند کارهای شایسته و صواب را دربر گیرند و هم کارهای ناشایست و ناپسند را. بنابراین عقل ضرورت هریک از این اصول را درک می‌کند و آنها را به‌عنوان مقدمه حرکت به سمت هدایت اجتماعی می‌پذیرد.

جدول (۷): مقدمات اخلاق اجتماعی

| ردیف | شماره | آیه   | موضوع اخلاقی برداشت شده از آیه                      |
|------|-------|---|---|
| ۱    | ۲۸    | وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا  | نقش گفتار و کلام نیکو در ایجاد امیدواری و وسعت روزی |
| ۲    | ۳۳    | وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لوكِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا | قصاص موجب حفظ حیات اجتماعی                          |
| ۳    | ۳۵    | وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الِْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا  | تأکید بر عدالت                                      |
| ۴    | ۵۳    | وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ بِنَزْعِ بَيْنِهِمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا                                       | نقش سخن نیکو در زدودن وسوسه‌های شیطانی              |
| ۵    | ۷۹    | وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا  | نقش برنامه‌های اخلاقی در هدایت جامعه                |
| ۶    | ۸۰    | وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا   | نقش صداقت در کسب کمالات                             |
| ۷    |       |   | نقش صداقت در پیروزی انبیا و اولیای الهی             |
| ۸    |       |   | نقش راهنما و بصیرت در سعادت انسان                   |
| ۹    | ۱۰۸   | وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا   | تأثیر تکرار کلام و رفتار خوبان در تربیت دیگران      |

### موانع اخلاق اجتماعی

مانع از حرکت جلوگیری می‌نماید و امکان رشد را از انسان و جامعه سلب می‌کند و گاه به نزول یا سقوط انسان یا جامعه منجر می‌گردد. بنابراین وقتی راه هدایت و رشد و تکامل را شناختیم، از هدف و مقصد آگاهی یافتیم و راهبر را پذیرفتیم و طبق رهنمودهای او حرکت را آغاز نمودیم، قهراً با موانعی مواجه خواهیم شد که حرکت ما را کند می‌کنند و یا امکان ادامه حرکت را از ما سلب می‌نمایند. ادامه حرکت در گرو از میان برداشتن موانع یا عبور از آنهاست.

جدول (۸): موانع اخلاق اجتماعی

| ردیف | شماره | آیه   | موضوع اخلاقی برداشت شده از آیه               |
|------|-------|---|--|
| ۱    | ۲۳    | وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا | عدم احسان به والدین در شرایط انحراف از توحید |
| ۲    | ۲۷    | إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا   | نهی از تبذیر و اسراف                         |
| ۳    |       |   | اسراف نشانه کفران و ناسپاسی                  |

| ردیف | شماره | آیه   | موضوع اخلاقی برداشت‌شده از آیه         |
|------|-------|---|--|
| ۴    | ۲۹    | وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا                                 | نهی از افراط و تفریط                   |
| ۵    | ۳۱    | وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا                           | لزوم پرهیز از تعصبات جاهلی             |
| ۶    | ۳۲    | وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا   | لزوم اجتناب از زمینه‌های ابتلا به فحشا |
| ۷    | ۳۴    | وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا | نهی از تصرف بیجا در اموال یتیمان       |
| ۸    | ۳۵    | وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا   | پرهیز از کم‌فروشی                      |
| ۹    |       |   | کم‌فروشی عامل اختلال در نظم و امنیت    |
| ۱۰   | ۳۷    | لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا   | نهی از تکبر و ورزیدن                   |
| ۱۱   | ۵۳    | وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا  | پرهیز از القای دشمنی میان مردم         |
| ۱۲   | ۸۳    | وَإِذَا أَعْمَنَّا عَلَى الْإِنْسَانِ أُغْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا  | نهی از تکبر در برابر مخلوقات خداوند    |
| ۱۳   |       |   | نهی از کوچک شمردن نعمت‌های الهی        |
| ۱۴   | ۱۰۰   | قُلْ لَوْ أَنُّكُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا                  | بخل ثمره محبت به دنیا                  |

نهایت اینکه از نگاه قرآن می‌توان مباحث مختلف مربوط به اخلاق را سامان داد و با تنظیم و تنسیق قواعد کلی اخلاقی، راه را برای علم «اخلاق قرآنی» هموار کرد. به‌علاوه می‌توان با تأمل در قواعد مذکور و بهره‌گیری از نصوص و ظواهر آیات قرآن، مبنای ارزش‌های اخلاقی را کشف کرد و زمینه حصول اخلاق هنجاری<sup>۱</sup> یا نظریه اخلاقی<sup>۲</sup> برگرفته از قرآن را فراهم آورد.

افزون بر اینها، می‌توان با تأمل در قواعد اخلاقی قرآن و نظریه اخلاقی برگرفته از آن، در کنار بهره‌گیری از هستی‌شناسی و به‌ویژه انسان‌شناسی قرآنی، مبنای فلسفی اخلاقی را هم به دست آورد و از رهگذر آن به تدوین فرااخلاق<sup>۳</sup> ملهم از قرآن پرداخت.

نتیجه دیگر اینکه، اگرچه جملات اخلاقی که از نحوه ارتباط میان موضوع و غایت نهایی انسان حکایت دارند، جمله‌های خبری هستند و واقعیت خارجی را وصف می‌کنند، در تحلیل نهایی افزون بر اینکه حکایی و خبری می‌باشند، بار ارزشی و الزام نوعی عمل را نیز دربر دارند. به این جهت نباید به

1. Normative ethics.  
2. Ethical theory.  
3. meta ethics.



خصوصیات مسائل اخلاقی و ویژگی‌های بیان آنها در قرآن بی‌توجه بود و نقش و بیان قرآن برای شکستن این مرزها را فراموش کرد.

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، فلسفه برگزیدن این روش است. درحقیقت یکی از ویژگی‌های قرآن، توصیف احکام به شکل ارزشی، توصیفی و تبلیغی است. بر این اساس، خداوند دارای طبیعتی اخلاقی است، مظهر صفات جلال و جمال است و رفتارش با انسان نیز از طریق اخلاق می‌باشد که همه این موارد تعهدی عظیم را برای انسان به وجود می‌آورد تا او نیز به سهم خویش رفتار و واکنشی اخلاقی داشته باشد.

## نتیجه

بررسی گزاره‌های اخلاقی برگرفته شده از آیات سوره اسراء بیانگر این نکته است که اولاً این گزاره‌ها و مفاهیم در دو حوزه فردی و جمعی همگام با هم پیش رفته‌اند و ثانیاً تلاش دارند تا با کمک همدیگر یک نظام اخلاقی را تبیین و نهادینه کنند. لذا هرکدام دارای جایگاه خاصی در چارچوب هدایتی افراد و جامعه بشری هستند و به صورت یک مدل لایه‌ای و حلقه‌ای، همدیگر را تکمیل و تأیید می‌کنند.

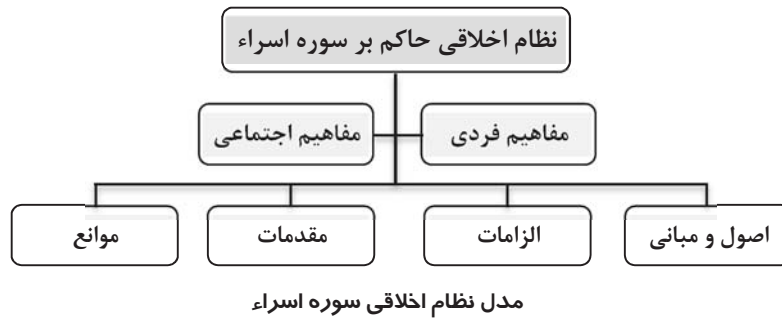
در هر کدام از حوزه‌های اخلاق فردی، چهار مؤلفه مهم برای نظام‌سازی وجود دارد که عبارتند از: اصول و مبانی، الزامات، مقدمات و موانع. نتایج تحلیل محتوای آیات سوره اسراء نشان می‌دهد که مفاهیم اخلاقی این سوره در هر چهار زمینه تبیین شده‌اند و در نهایت تلاش شده تا یک مدل جامع ارائه گردد.

این مطلب در کنار آنکه بیانگر انسجام و وحدت موضوعی و ساختاری سوره اسراء است، نشان می‌دهد هر کدام از سوره‌های قرآن مجید می‌توانند خود به‌مثابه یک مدل جامع، زمینه هدایت افراد و جوامع انسانی را فراهم کنند. البته در این میان، برخی سوره کوچک یا موضوعی استثنا هستند.

البته در برخی موارد مشاهده می‌شود که عناوینی مانند ایمان، امیدوار بودن به رحمت خدا و عبادت هم در مقوله الزامات فردی و هم در مقوله مقدمات فردی یا الزامات اجتماعی تکرار شده‌اند. این تکرار به معنای آن نیست که یک مضمون اخلاقی در دو حوزه متفاوت جای داده شده است؛ بلکه این مطلب تنها همسانی در الفاظ می‌باشد. به عبارت دیگر، مضامین برداشت‌شده با یکدیگر متفاوت هستند؛ لکن در مرحله ترسیم نمودار و مدل از آن جهت که به دنبال استفاده از عناوینی کلی و جامع بوده‌ایم، عنوانی عام و کلی استعمال شده است.

در نهایت باید گفت تمامی آنچه در ضمن جداول تحلیل محتوا درج شده، ابعادی فردی و اجتماعی دارند؛ بدین معنا که منظور از توحید در این قسمت، هم به تثبیت اعتقادات یک فرد و هم به حکومت و حاکمیت اهل حق بر جوامع بشری اشاره دارد؛ چراکه اگر جامعه‌ای قصد داشته باشد به سمت هدایت و سعادت حرکت کند، اولین اصل اساسی که باید رعایت کند، این است که توحید و خداپرستی را در جامعه حاکم کند.

مواردی مانند عدالت، صداقت و تحصیل علم و آگاهی و بصیرت نیز هم در الزامات و هم در مقدمات فردی و اجتماعی هدایت ذکر شده‌اند که نشان می‌دهد این موارد باید هم در ابتدا و برای تعیین مسیر و هم در طول مسیر رعایت گردند و نباید لحظه‌ای از توجه به آنها غافل شد. در نهایت اینکه می‌توان مدل ذیل را به‌عنوان یک نظام اخلاقی برآمده از یکی از سوره‌های قرآن کریم جهت نظریه‌پردازی و نظام‌سازی اخلاق در جامعه اسلامی معرفی نمود:



### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
۲. ابن حنبل، احمد، ۱۹۹۳، *مسند احمد بن حنبل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن فارس، احمد، ۱۳۸۷، *معجم مقاییس اللغة*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۱.
۴. ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، قم، بیدار.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
۶. باردن، لورنس، ۱۳۷۵، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۷. الجسر، ندیم، ۲۰۰۴، *القرآن فی تربیت الاسلامی*، قاهره، مجمع البحوث الاسلامیة.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی، ۱۳۸۷، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۹. دراز، عبدالله، ۱۴۰۸، *دستور الاخلاق فی القرآن الکریم*، ترجمه عبدالصبور شاهین، بیروت، دارالبحوث العلمیة.

۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، *المفردات فی غریب القرآن*، تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت، دار العلم.
۱۱. شریفی، عنایت‌الله، ۱۳۸۹، «کارکردهای دین در اخلاق»، *فصلنامه قیاسات*، تهران، شماره ۵۶.
۱۲. شیرازی، صدرالدین محمد، بی‌تا، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه*، قم، چاپ مصطفوی.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۷، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۳.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
۱۵. طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۳۶۴، *اخلاق ناصری*، تصحیح و تعلیق مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی، چ ۳.
۱۶. عبدالکریم، عثمان، ۱۳۶۵، *روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*، ترجمه دکتر محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۴.
۱۷. غزالی، ابوحامد، ۱۳۵۱، *احیاء علوم الدین*، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۸. فتحعلی‌خانی، محمد، ۱۳۷۴، *آموزه‌های بنیادین علم اخلاق*، تهران، کوثر.
۱۹. فلسفی، محمد، ۱۳۸۲، *شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق*، قم، دارالتقلین.
۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن، بی‌تا، *المحجة البیضاء*، تهران، اسلامی.
۲۱. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۱۱.
۲۲. قرشی، سید علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
۲۳. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۵، *الجامع لأحكام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۴. قطب، ابراهیم شاذلی، ۱۴۱۲، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق.
۲۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، ۱۳۸۱، *روش تحقیقی در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا، چ ۶.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ۸۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، س ۶، بهار ۹۲، ش ۱۹
۲۸. مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۳، *اخلاق در قرآن*، تهران، امیرکبیر، چ ۲.
۲۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *فلسفه اخلاق*، تهران، صدرا.
۳۰. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، قم، دارالعلم.
۳۱. نراقی، احمد، ۱۳۸۲، *معراج السعادة*، تهران، دهقان.
۳۲. نراقی، محمد مهدی، ۱۳۶۶، *جامع السعادات*، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی، تهران، حکمت.
۳۳. هولمز، رابرت، ۱۳۸۵، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، تهران، ققنوس.
۳۴. وارنوک، جفری جیمز، ۱۳۶۸، *فلسفه اخلاق در عصر حاضر*، ترجمه و تعلیق صادق لاریجانی، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.